



تمرین درس پنجم صفحه ۴۲ تا ۴۴

۱. الف) نادرست (جادوگر)

ب) درست

پ) نادرست (هنگامی که کاری را دیر انجام می‌دهیم و فایده‌ای ندارد، از این ضرب‌المثل استفاده می‌شود.)

۲. شکار = نخجیر

ریسمان = کمند، بند

ترسناک = سهمگین

پایان = فرجام

۳. الف) تو، بندگان رادر برابر بدی‌ها، پناه می‌دهی و تو به من پهلوانی و عظمت دادی.

ب) مثل باد، حلقه‌ی طناب را پرت کرد و ناگهان، سرجادوگر را به بند کشید.

پ) سر و گوش و موی گردنش را شجاعانه گرفت و مثل شیر، سر از تنش جدا کرد.

۴. مراحل: مرحله مخاطره: خطرناک محموله: حمله

محرک: حرکت

۵. الف) بزرگی جثه‌ی او به حدی بود که زمین زیر آن ناپدید شد. خون آن آنقدر زیاد بود که مانند چشمه‌ای می‌جوشید.

ب) بزرگی اندام رخس که سایه‌اش، روز را مثل شب، برای اولاد، تاریک کرده است.

پ) صدای بلند نعره که موجب گسستن دریا و کوه گشته است.

۶. و - که - و - هم - که - زیرا

۷. الف) بدین سان - خان - موفقیت (ب) ازدها

پ) می‌گزارد

۸. بُزدل: ترسو

دسته‌گل به آب دادن: کاری را خراب کردن

آب از دست نچکیدن: خسیس بودن

آب الک کردن: کار بیهوده انجام دادن

۹. گزینه‌ی «۲»

درک مطلب

۱) ده دینار

۲) خیر، زیرا دلیل صاحب مسجد را نفهمید (وقتی ده دینار به او داد) و نمی‌دانست چرا در مسجد دیگر هم بیست دینار به او می‌دهند تا برود.

۳) خوش اخلاق، مهربان، شوخ‌طبع، خوددار

۴) کسانی که از عیب خود بی‌خبرند و آن‌ها را برطرف نمی‌کنند. ظاهربین هستند.